ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
یک‌شنبه • ۲۵ آذر ۱۳۹۷
۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ • ۱۶ دسامبر ۲۰۱۸
شماره ۱۹۹۸۷
۱۲۱۰

پرونده‌ای درباره صفحات طرفداری باشگاه‌های محبوب کشور در فضای مجازی که انگار هیچ خط قرمزی ندارند

نفرت پراکنی به اسم هواداری

مجید حسین زاده | روزنامه‌نگار

پرونده

نیم فصل اول لیگ برتر به نقطه پایانی اش رسید و این روزها همه تیم‌ها به بررسی و تحلیل نقاط ضعف و قوت شان می‌پردازند تا شروعی توفانی در نیم فصل دوم لیگ برتر داشته باشند. کاش و صد ای کاش که مسئولان باشگاه‌های کشور که این روزها بدون وقفه در حال رایزنی برای تقویت نیمکت‌هایشان هستند، فکری به حال روان تماشاگران و طرفداران فوتبال در ایران هم بکنند. آیا آن‌ها می‌دانند که هر کدام از کانال‌ها و پیج‌های هواداری دو تیم مطرح پایتخت بیش از یک میلیون عضو و فالوئر دارند و هیچ نظارتی بر محتوای این کانال‌ها وجود ندارد؟ آیا می‌دانند که توهین‌ها و تهمت‌های بی‌شمار به داور، مسئولان باشگاه‌های دیگر، فدراسیون فوتبال و لقب‌هایی که بر روی تیم رقیب و بازیکنانش می‌گذارند، چه بر سر تفکر و نگرش طرفداران تیم شان می‌آورد؟ آیا آن‌ها خبر قتل دو نفر به خاطر فوتبال بعد از بازی پرسپولیس و کاشیما را شنیده‌اند که برنامه ۹۰ گزارش مفصلی درباره آن‌ها پخش کرد؟ در پرونده امروز بعد از مروری اجمالی بر محتوای تلخ و زننده کانال‌ها و پیج‌های هواداری، نظر یک جامعه‌شناس و روان‌شناس را درباره تاثیرات این خرده فرهنگ نامناسب خواهیم خواند تا دیگر شاهد اتفاقاتی تلخ بین طرفداران فوتبال در کشورمان نباشیم. فوتبالی که قرار است یک سرگرمی مناسب برای تخلیه هیجانات‌مان باشد و بس!

توصیه‌های یک روان‌شناس به هوادارانی که عضو پرو پاقرص کانال‌های هواداری باشگاه محبوب‌شان هستند

تعصب کاذب را بی‌خیال شوید!

مسلم رومیانی | کارشناس ارشد روان شناسی بالینی

شاید تا چند سال پیش که دنیای مجازی این قدر همه گیر و در دسترس نبود، شنیدن خبر قتل یا نزاع‌های دسته جمعی و زد و خوردهای فیزیکی آن هم به خاطر فوتبال برای فردی قابل باور نبود. بله؛ فوتبال روایتی است که هیجان گمشده در زندگی ماشینی و روزمره و یکنواخت انسانی را برای مدتی از میان می‌برد و ما را در داستانی پرشور غرق می‌کند. فوتبال داستانی است که تمام عواطف انسانی از غم، خشم، ناامیدی و بیچارگی تا شادی، پیروزی، هیجان و قدرت را به ما ارزانی می‌دارد اما آسیب‌های پنهان و آشکار بسیاری نیز دارد که گاهی جبران ناپذیر هستند، دقیقا مانند شنیدن خبر چند قتل در شهرهای مختلف کشور به دنبال تعصبات کاذب فوتبالی که از برنامه نود پخش شد. وقتی از آسیب فوتبال حرف می‌زنیم، روی صحبت ما با هوادارانی است که به دلیل ناکامی و شکست پس از باخت یا افت تیم مورد علاقه‌شان، دچار حالات روان شناختی ناامیدی و استرس و کاهش شدید تمرکز می‌شوند. در هنگام تجربه کردن این موارد، به دلیل تعصب کاذب ممکن است کنترل امور از دست آن‌ها خارج شود. البته واضح است که تعصب کاذب و بیجا با تعصب منطقی متفاوت است. در ادامه، علل روان شناختی تعصب را بررسی می‌کنیم و توصیه‌هایی به دنبال کنندگان کانال‌های هواداری داریم.

تعریف طرفدار متعصب از نظر روان شناختی

فرد متعصب از نظر روان شناختی، دچار خطایی بنیادین است. او اجازه نمی‌دهد محتوای دانش و آگاهی‌های جدید با محتوای دانش و آگاهی‌های پیشین وی درگیر شوند و در تعامل باشند. از نظر پیاژه (یکی از روان شناسان شناختی مشهور سوئیسی)، ذهن، اطلاعات رسیده از جهان خارج را بازسازی و تفسیر و تعبیر مجدد می‌کند تا آن را با چارچوب درونی خود منطبق کند. البته ممکن است این خصوصیت در یک فرد فقط در زمینه‌ای خاص بروز یابد مانند علاقه به یک تیم ورزشی که در نتیجه به آن فرد طرفدار متعصب خواهیم گفت.

دلایل نپذیرفتن ضعیف شدن تیم مورد علاقه

از دید روان شناسان کمال گرا، فرد کارآمد و متعادل کسی است که آماده تجربه کردن است و حالت دفاعی ندارد. حالتی که این روزها بعضی طرفداران فوتبال در کشورمان، حتی بعد از شکست یا افت تیم محبوب شان به خود می‌گیرند و همه را مقصر می‌دانند تا نپذیرند که شرایط تیم شان خوب نیست. شاید بپرسید که چرا افراد متعصب تا این اندازه، حالت دفاعی به خود می‌گیرند؟ بهترین پاسخ «ترس» است. افراد متعصب می‌ترسند که با پذیرش ضعیف شدن تیم محبوب‌شان، خود و موجودیت شان در معرض خطر قرار گیرد.

دردسرهای عضویت در گروه‌های هواداری

گاهی افراد پس از آن که در گروه قرار می‌گیرند، زمینه بروز تعصب در آن‌ها شکل می‌گیرد و مرتکب رفتارهای نابه‌هنجار می‌شوند. یکی از روان شناسان اجتماعی سرشناس معتقد است هر اندازه یک گروه انسجام بیشتری داشته باشد، اعضای آن بیشتر تمایل خواهند داشت که احساس وحدت نظر را حفظ کنند و این کار، آن‌ها را وادار خواهد کرد تا پیشنهادهای مسئول یا اکثریت اعضا را بی چون و چرا بپذیرند. در نهایت، برخی گروه‌ها به آن جا می‌رسند که از سر تعصب، تصمیم‌های تأسف بار و فاجعه‌آمیز می‌گیرند. سنگ انداختن به سمت طرفداران تیم رقیب، فحاشی به عزیزان داور و... اعمالی غیرمنطقی و غیرانسانی است که هیچ گاه افراد به تنهایی، آن‌ها را انجام نخواهند داد. این خطر، همه گروه‌های منسجم را تهدید می‌کند. بنابراین اگر طرفداران با مهارت‌های خودکنترلی آشنا نباشند، معلوم نیست که چه بلایی سر خودشان و دیگران می‌آورند.

پیام‌های توهین آمیز را فوروارد نکنید

در انتها ذکر این نکته را لازم می‌دانم که در دنیای مجازی از عضویت در گروه‌ها و کانال‌های هواداری که بی حساب و کتاب به بقیه می‌تازند و توهین می‌کنند، خودداری کنید. مطالب توهین آمیز و هیجانی این گروه‌ها را به هیچ وجه بازنشر ندهید و آن را برای دوستان و آشنایان‌تان که طرفدار تیم رقیب‌تان هستند، فوروارد نکنید چرا که ممکن است همین فوروارد باعث افزایش هیجانی تعصب درباره تیم محبوبشان شود که طبق آن چه گفته شد؛ با این کار فقط به آن‌ها آسیب رسانده اید. در ضمن این کل کل‌ها تا زمانی بامزه است که توهین به فرد یا قومی نشود. از شما خواهش می‌کنم که عاشق تیم محبوب‌تان باشید ولی تعصب کاذب نداشته باشید.

آن چه کانال‌ها و پیج‌های هواداری هر روز به خورد دنبال کنندگان‌شان می‌دهند

تهمت، توهین و توهم توطئه!

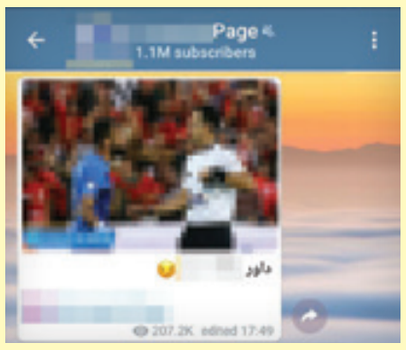

مجید حسین زاده- فرقی نمی‌کند که طرفدار استقلال باشید یا پرسپولیس، تراکتور یا سپاهان و... چرا که یک سری مطالب در کانال‌ها و پیج‌های طرفداری همه این باشگاه‌ها یکسان است. معمولا کانال‌های همه این باشگاه‌ها به محض شکست تیم محبوب شان، بدترین فحش‌ها را در وهله اول نثار داور بازی می‌کنند. داوری که مانند هر بازیکن و مربی ممکن است دچار اشتباه شود. این کانال‌ها از عبارت‌هایی درباره اصل و نسب داور استفاده می‌کنند که خواندنش هر طرفدار منطقی را شرمگین می‌کند. به صورت ثابت و تقریبا در همه کانال‌ها و پیج‌های طرفداری، اسم تیم رقیب را به شکل تحقیر آمیزی تغییر داده‌اند. متاسفانه به دلایل اخلاقی، چاپ اسم‌های تغییر کرده این تیم‌ها ممکن نیست اما اگر عضو یکی از این کانال‌ها و پیج‌ها باشید، بدون شک این مسئله را تایید خواهید کرد. نکته دیگر درباره این صفحات، ابراز ناراحتی روزانه شان از مورد حمایت قرار گرفتن دیگر رقبا توسط فدراسیون فوتبال است. این مسئله نیاز به هیچ اتفاق جدیدی هم ندارد. این که رئیس فدراسیون فوتبال متولد فلان شهر است و همیشه از تیم اش حمایت می‌کند یا وزیر ورزش یک بار در مصاحبه‌ای که ۱۰ سال پیش داشته، گفته که طرفدار فلان تیم است، برای کانال‌های هواداری کافی است تا به مخاطبان شان القا کنند

که تیم آن‌ها مظلوم‌ترین تیم لیگ برتر است. این موضوع با صحبت‌های بعضی بازیکنان و مربیان، به شدت هم قابل تقویت است. در این بین کمیته انضباطی، هر از چند گاهی این افراد را فرا می‌خواند و از آن‌ها می‌خواهد که ادله شان را به این کمیته ارائه دهند اما هیچ نظارتی بر این کانال‌ها و پیج‌ها وجود ندارد. استفاده از هشتگ‌هایی همچون #تیم_محبوب_فدراسیون، #اشتباهات_داوری_فقط_به_نفع_بقیه_است، #نمی‌گذارند_قهرمان_شویم و... از پر استفاده‌ترین هشتگ‌ها در تمام این کانال‌ها و پیج هاست. همه تیم‌ها ادعا کردند که همه مسئولان برای قهرمانی رقیب شان تلاش می‌کنند و آن قدر دلیل و مدرک رو می‌کنند که هر طرفداری را به شک می‌اندازند به خصوص اگر این طرفدار فقط عضو کانال هواداری تیم محبوب خودش باشد و از کانال‌های هواداری دیگر باشگاه‌ها خبر نداشته باشد. در این بین، معمولا کانال‌های هواداری (ضمن عذرخواهی از همه فوتبال دوستان)، طرفداران باشگاه‌های رقیب را هم با بعضی حیوانات مقایسه می‌کنند که به دور از اخلاق و ادب است. بنابر همه این توضیحات، آن چه در این بین به چشم می‌آید، نبود هیچ نظارتی بر این کانال هاست. کانال‌هایی که گاهی فوروارد یک پیام از آن‌ها برای طرفدار تیم رقیب، خشم آن فرد را غیر قابل کنترل خواهد کرد.

یک جامعه‌شناس درباره تاثیرات بی توجهی فدراسیون فوتبال و مسئولان باشگاه‌ها به محتوای کانال‌ها و پیج‌های هواداری می‌گوید

خوار کردن طرفداران رقیب به جای کل کل‌های بامزه

دکتر علیرضا عزیزی | جامعه شناس

برای آن دسته از علاقه مندان به فوتبال که مسابقات باشگاه‌های کشورمان را از سال‌های دور دنبال می‌کنند و به قول معروف از آن هواداران قدیمی‌اند که با خاک سکوهای سیمانیِ سرد ورزشگاه‌ها و بوی کاغذِ روزنامه‌های ورزشی بزرگ شده‌اند و کری‌های بامزه قرمز و آبی با دوستان قدیمی را به خاطر دارند که به قول امروزی‌ها بیشتر جنبه فان داشت و برای شان یک جور شوخی برای وقت گذرانی با دوستان صمیمی تلقی می‌شد، فرهنگ هواداری امروزی طعم تلخ و گزنده‌ای دارد. فرهنگی که در آن قاعده بازی روشن نیست و آن کری‌های بامزه رودررو و کوچه بازاری جای خود را به خصومت‌ها و نفرت پراکنی‌های تلگرامی و اینستاگرامی داده است که در آن‌ها به هر شیوه‌ای تلاش می‌شود که دشمن متخاصم را که اتفاقا همه چیز- از دولت تا فدراسیون، کمیته داوران و... -را پشتوانه خود دارد، با قدرت کلمات- شما بخوانید فحش، تهمت و افترا- و هر چیز دم دستی که یافت می‌شود، خوار و خفیف کند.

اصرار برای القای توهم توطئه در ذهن هواداران

آن چه در فرهنگ هواداری امروزی حضوری پررنگ دارد، «نظریه توطئه» است یعنی دست‌های پنهانی که می‌کوشند به هر طریق که شده تیم ما را زمین بزنند و تیم مقابل را بالا بکشند و قهرمان کنند. در این میان دولت، فدراسیون و داوران هم مظنونان همیشگی‌اند و همه حتی از مدیرعامل بعضی باشگاه‌ها تا پیش کسوت‌ها و مسئولان فنی تیم‌ها در همین چارچوب اظهار نظر و خوراک خوبی برای مدیران کانال‌های تلگرامی و صفحات اینستاگرامی فراهم می‌کنند تا با کمی چاشنی رسانه‌ای، آتش خشم هواداران را شعله‌ور کنند. در این بین، مدیرانِ کانال‌ها و صفحات هواداری، لابه لای نفرتِ پراکنی هایشان، تبلیغاتی هم می‌گذارند و درآمدی هم کسب می‌کنند که معلوم نیست پول هایش به جیب چه فرد یا افرادی می‌رود.

به طور قطع، مواجهه با چنین وضعیتی نیازمند کار فرهنگی است اما نباید محدود به برگزاری یک سری مراسم و فعالیت‌های فرهنگی پیش از بازی یا بین دو نیمه شود چرا که چندان اثری بر رفتار هواداران ندارد.

تاثیرات مثبت خصوصی شدن باشگاه‌های دولتی

در چنین وضعیتی، به نظر می‌رسد نیازمند تغییر قاعده بازی هستیم. در این باره، تلاش برچیده شدن توهم توطئه یا دست‌های پنهان یکی از نخستین اقدامات ضروری است که به نظر می‌رسد در بلندمدت برچیده شدن دست سیاسی‌ها از ورزش و فوتبال در سطح وزارت، فدراسیون و باشگاه‌ها، خصوصی شدن باشگاه‌ها، افزایش شفافیت و مشارکت‌پذیری و حضور فعال تماشاگران در انتخابات باشگاه‌ها، می‌تواند اقداماتی در جهت کاهش زمینه‌های شکل گیری تئوری توطئه تلقی شود.

استفاده از نخبگان رسانه‌های ورزشی برای کانال‌های هواداری

با این حال و در کوتاه مدت، مداخلات فرهنگی باشگاه‌ها به منظور حکمروایی فرهنگی بر فضای مجازی از طریق ایجاد کانال‌ها و صفحات رسمی هواداری، استفاده از ورزشی‌نویسان و نخبگان رسانه‌های ورزشی برای مدیریت چنین کانال‌ها و صفحاتی که با قواعد حرفه‌ای فعالیت‌های رسانه‌ای آشنا هستند و از مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردارند و همچنین ارائه فضای باز و تسهیلات برای چنین کانال‌ها و صفحاتی به منظور تهیه محتوای خبری و تحلیلی معتبر و دقیق از فعالیت‌های باشگاه‌ها و همچنین تامین هزینه‌های آن‌ها- به عنوان بخشی از هزینه‌های فرهنگی باشگاه‌ها- می‌تواند به عنوان راهکارهایی برای کاهش خشونت و خصومت حاکم بر فضاهای هواداری فوتبال در کشورمان مورد توجه قرار گیرد.